irannewspaper.ir

چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۷۶۶
• اذان ظهر ۱۲/۰۵ • اذان مغرب ۱۹/۴۴ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۲ • اذان صبح فردا ۰۳/۰۲ • طلوع آفتاب فردا ۰۴/۴۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
چه نیکو سلاحی است صبر و دُعا برای مؤمن.
(نهج الفصاحه، ۳۱۲۸)

یادداشت

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

درباره ویدیوموزیک‌های ملی-حماسی

وفاق ملی در اتحادی آهنگین

این روزها در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی شاهد بازتولید و بازنشر انواع و اقسام «ویدیو موزیک» و کلیپ‌های موسیقایی با موضوع ایران و ایرانی و وطن و وطن‌دوستی هستیم که به ارتقای روحیه عمومی و تلطیف فضای ملتهب اجتماعی ناشی از شرایط جنگی کمک می‌کند. این کلیپ‌ها را می‌توان در چند طیف متنوع موسیقایی صورت‌بندی کرد. برخی از آنها که ژانری ملی - میهنی یا شوری حماسی دارند، به دمیدن شور و غرور ملی در ذهن و ضمیر کاربران کمک کرده و روحیه مقاومت و تاب‌آوری جامعه را افزایش می‌دهند. برخی دیگر هم که موسیقی‌های غمگین هستند امکانی برای همدلی با مصائب تحمیلی ناشی از جنگ فراهم کرده و مجالی برای سوگواری جمعی و همدردی با خانواده‌های شهدای این رخداد فراهم کرده و در نهایت تاب‌آوری و مقاومت جامعه در برابر تراژدی این فاجعه را بالا می‌برند. در این میان برخی از آهنگ‌ها و قطعات و ترانه‌هایی که بیشتر سویه ملی -میهنی و لحنی حماسی دارند مورد توجه و بازنشر قرار گرفته است. قطعاتی مثل «ای ایران»، «سپیده» یا همان «ایران ای سرای امید»، یا قطعه «وطنم پاره تنم» و نمونه‌های دیگر که حالا از موقعیت نوستالژیک خود خارج شده و کارکردی استراژیک پیدا کرده‌اند؛ قطعاتی که هم شور وطن‌دوستی و ایران‌دوستی در مردم ایجاد کرده و به تقویت روحیه شجاعت و مقاومت در جامعه کمک می‌کند و از سوی دیگر خیلی‌ها با شنیدن این آهنگ‌ها اشک ریخته و سبک می‌شوند. این روزها بیشتر از هر زمان دیگری، زبان موسیقی می‌تواند شرح حال مردم باشد و هنر را در خدمت آرامش جامعه قرار دهد و بهتر از هر زمان دیگری می‌توان این جمله را فهمید: «آنجا که کلام از سخن بازمی‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود.» این روزها موسیقی، مرهم و ملجأ مهمی برای مردم ماست تا خود را در آن بازیابند و تسلا دهند و در برابر دشواری‌ها و تلخی‌های شرایط، مستحکم‌تر شوند. این روزها موسیقی نه سرگرمی که شکلی از آگاهی و اراده است که می‌تواند به عنوان یک ابزار تأثیرگذار برای حفظ و تقویت هویت ملی و فرهنگی و تاریخی و اتحاد و وفاق ملی ما ایرانیان عمل کند.

پیشنهاد هنری پیروز ارجمند آهنگساز به هموطنان در گفت و گو با «ایران»:

این روزها موسیقی ملی-میهنی گوش کنیم

گزارش

نداسیجانی
روزنامه نگار

سال ۱۳۵۹ بود. آخرین روز شهریورماه و آغاز جنگ ایران و عراق. روزهای پر از رزم و آتش و بوی باروت و دفاع مقدسی که از راه رسید و هشت سال به طول انجامید. روزگارانی که در مقاطع متعددی با زبان هنربه تصویر کشیده شدند و با نغمه‌های موسیقی به گوش دنیا رسیدند و برصحنه سینما نقش بستند. با این اوصاف باید گفت اهالی هنر، به ویژه هنرمندان موسیقی، آشنا با دوران جنگند و ازهمان روزگاران همراه و همدل و هم پای رزمندگان به میدان‌های جنگ رفتند و با تکیه براحساس و توانایی‌های ذاتی خود کارهای ماندگاری تولید و اجرا کردند. نمونه آن اجرای ارکستر سمفونیک در جبهه‌های «حاج عمران»، «فاو»، «شلمچه» و چند منطقه دیگر بود و ایجاد تلاش مضاعف درروحیه رزمندگان. از آن روزگار جنگ‌های تن به تن تا به امروزو جنگ‌های مدرن، سال‌های بسیاری می‌گذرد و همچنان هنر و هنرمند برای وطن، می‌سراید و می‌خواند و می‌سازد. دراین روزهای سخت و تلخ و حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان باردیگر هنرمندان موسیقی درکنار مردم قرارگرفتند و با انتشار آثارملی -میهنی در فضای مجازی و قطعاتی که نام ایران را تداعی می‌کند تلاش کردند با نوای موسیقی روحیه بخش مردم کشورشان باشند. مانند انتشارویدئویی از آرمان گرشاسبی که در آن از ایران خوانده است:«هرچند ایرانم غم‌انگیز است، با این همه از عشق تو لبریز است؛ من اینجا ریشه در خاکم...». همایون شجریان هم با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش قطعه «دیار عاشقی‌هایم» را برای مخاطبانش به اشتراک گذاشت و خوانندگانی چون محمد معتمدی، رضا صادقی و....

گوش جان سپردن به صدای موسیقی در این روزهای سخت

پیروز ارجمند خالق موسیقی فیلم «سفر به چزابه» دراین باره به «ایران» گفت: در دوران دفاع مقدس و هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق، نوحه‌های بسیاری خوانده و سروده شد. آثاری که تداعی‌گر یک فرهنگ آیینی است. البته درحال حاضراین نوع آثارکارکردی ندارند، به این دلیل که نوع جنگ امروز ما تغییر کرده و مدرن شده است و نیروهای انسانی بصورت سربازهای وطن در خط مقدم جنگ قرار نمی‌گیرند و دیگر صدای مارش‌های نظامی به گوش نمی‌رسد. جالب است بدانید مارش‌های جنگ در دنیا مرسوم است و معمولاً هنگام حمله استفاده می‌شود.
این آهنگساز درادامه صحبت‌هایش به موسیقی‌هایی که دراین روزهای پرالتهاب جنگ برای حال خوب مردم توصیه می‌شود اشاره و بیان کرد: درحال حاضرهنر بیش از هر دوره دیگری می‌تواند در ایجاد حس خوب و آرامش، به مدد مردم بیاید. درواقع بایستی گفت موسیقی دراین زمینه نقش بسیارمهمی دارد و با ایجاد آرامش، تاب آوری و امید را بیشتر می‌کند. بویژه موسیقی‌های نوستالژی که می‌تواند مسیر ذهنی خوبی در مردم ایجاد کند.

> ژن تاریخی ما بسیار قوی است. رفتار متمدنانه ای که این روزها از مردم در مواجهه با اتفاقات اخیر شاهد هستیم نقطه قوتی است و نشان می‌دهد بنیه‌های فرهنگی و تاریخی ایران بسیار قوی است. شاید کمترملتی چنین تاب آوری و «فرهنگ یاریگری» دارد

او به موسیقی‌های ارکسترال اشاره کرد و اظهار داشت: درجنگ جهانی دوم یا جنگ‌هایی که در اروپا اتفاق افتاد، ارکسترها برای دور شدن فضای ذهنی مردم از جنگ در سالن‌ها اجرای اپرا برگزار می‌کردند و سالن‌های کنسرت رونق پیدا کرد. این اتفاق دراروپا بسیار رخ داده و همچنان هم شاهد هستیم. بنابراین دراین روزها تلاشمان براین باشد با پخش موسیقی‌های آرام بخش، از این فضا دور شویم. بطورمثال شنیدن موسیقی‌هایی با ترکیبی از حس شنیداری یا بینایی و همچنین حس بویایی و لامسه موسیقی‌هایی که در فضاهایی مثل طبیعت یا پارک‌ها بشنویم. این پیشنهادی است که خود ما هم انجام داده ایم. یا پخش موسیقی در فضاهای عمومی‌مانند بیمارستان‌ها و یا ایستگاه‌های مترو. گونه‌ای دیگرازموسیقی که این روزها بسیار قابل شنیدن است موسیقی حماسی است. موسیقی‌هایی ملی-میهنی و وطنی که می‌تواند تصویرذهنی وطن پرستانه و ناسیونالیستی مردم را بهترو بیشتر کند اما در یک مقاطعی توصیه می‌شود و همیشه نباید شنید.

هنرمندان در کنار مردم ایستاده اند

نکته دیگراینکه بهتر است دراین روزها کمی ازعادت خلق و خوی مألوف مان دور شویم و برخلاف میل باطنی موسیقی‌های غمگین، موسیقی ملی میهنی و موسیقی آرام بشنویم. یعنی عموماً موسیقی‌های بی کلام وآرامبخش. ناگفته نماند برای کودکان هم باید نگاه جدی صورت بگیرد. کودکان درمعرض آسیب هستند و بایستی موسیقی کودکانه برای آنها پخش شود یا بازی‌هایی که همراه با موسیقی است و ذهن کودکان را از محیطی که در آن قرار دارند دور می‌کند. پیروز ارجمند درادامه صحبت‌هایش به موضوع فعالیت هنرمندان درفضای مجازی و تأثیرگذار بودن برای مردم اشاره کرد و گفت: اولین موضوعی که شاید انتظارآن از هنرمندان وجود دارد و موجب آرامش مردم است این است که احساس کنند آدم‌هایی که اسطوره آنها بودند چه هنرمند و چه ورزشکار در کنار مردم هستند. یعنی درهمان شهری زندگی می‌کنند که دیگر هموطنانشان هستند و آسیب دیده اند. این روزها هنرمندان باید فعالیت بیشتری در فضای مجازی داشته باشند و به مردم پیام بدهند و اعلام کنند درکنار شما هستیم. این اتفاق می‌تواند کمک بسیاری درآرامش مردم باشد. هنرمندان می‌توانند دراین روزها تکیه گاهی برای مردم داشته باشند و تاب آوری آنها را بالا ببرند. خود من به شخصه دراین چند روز اخیر یکی از قطعات ملی میهنی را که آهنگسازی کرده ام با صدای مهدی حبیبی به نام «وطن من» باز انتشار کردم و در جاهای مختلف به اشتراک گذاشتم تا یادآوری شود به عنوان یک هنرمند در کنارتان هستم.

مسیر توسعه و آبادانی در ایران باز است

این آهنگساز در پایان صحبت‌هایش بیان کرد: ایران کشوری است که همیشه در طول تاریخ ثابت کرده متجاوز نیست اما اگر به آن تجاوزی شود ایستادگی می‌کند. ژن تاریخی ما بسیار قوی است. رفتار متمدنانه ای که این روزها از مردم در مواجهه با اتفاقات اخیر شاهد هستیم نقطه قوتی است و نشان می‌دهد بنیه‌های فرهنگی و تاریخی ایران بسیار قوی است. شاید کمتر ملتی چنین تاب آوری و «فرهنگ یاریگری» دارد؛ این فرهنگ شاید در خیلی ازجاهای دنیا نباشد اما پشتوانه فرهنگی ما است و می‌توان امیدوار بود با وجود مردم وطندوست ایران مسیر صلح وآبادانی و توسعه ایران همیشه باز است. این روزها را با صبوری و همیاری کنار هم سپری می‌کنیم تا سرود پیروزی را با هم بخوانیم.

ادبیات مقاومت

روایت رشادتی که قد کشید

یادداشتی بر رمان نخل‌های بی‌سر
نوشته قاسمعلی فراست

مرور

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

مقاومت و دفاع همه‌جانبه و جانانه ملت مسلمان ایران در برابر هر نوع تهاجم بیگانگان از گذشته‌های تاریخی دور تا سال‌ها و دهه‌های اخیر و حتی امروز، بخشی از هویت ملی ایرانیان را تشکیل می‌دهد که در هر عصر و مقطع تاریخی به شکلی نمایان شده است.
متأخرترین و ملموس‌ترین مورد در این زمینه، دوران هشت سال دفاع مقدس است که آحاد مختلف ملت مسلمان ایران در برابر هجوم ناجوانمردانه و اشغالگرانه ارتش و حکومت بعثی عراق، مقاومت و از تمامیت ارضی کشورمان دفاع کردند. جنبه‌های مختلف این حماسه و مقاومت سلحشورانه مردم مسلمان ایران در برابر بیگانگان اشغالگر، در روایت بسیاری از نویسندگان متعهد کشورمان مکتوب شده که یکی از این افراد، قاسمعلی فراست، از داستان‌نویسان معاصر است که آثار متعددی در حوزه ادبیات پایداری نوشته و رمان «نخل‌های بی‌سر» این نویسنده جزو آثار شاخص و ماندگار در بخش ادبیات دفاع مقدس محسوب می‌شود.

روایت اولیه از آغاز یک نبرد طولانی

رمان «نخل‌های بی‌سر» جزو اولین آثار داستانی درباره دفاع مقدس و اولین رمان دفاع مقدس به قلم یک نویسنده جوان از نسل انقلاب اسلامی‌است. قاسمعلی فراست این رمان را در ۲۱ سالگی به عنوان اولین کتاب خود نوشت و آن را در سال‌های اولیه جنگ منتشر کرد. «نخل‌های بی‌سر» اولین‌بار در سال ۱۳۶۳ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد و تا سال ۱۳۸۵ به چاپ سوم رسید. در سال ۱۳۸۹ در مجموعه کتاب‌های «روایتی دیگر» انتشارات امیرکبیر و با طرح جلد جدید، مجدد به بازار نشر وارد شد. در مرحله بعدی، این کتاب را انتشارات نیلوفر بازنشر و به بازار نشر عرضه کرده است.
بنابراین یکی از ویژگی‌های خاص این اثر آن است که در سال‌های اولیه جنگ عراق علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران نوشته و منتشر شده است؛ با یک قصه آشنا در آن سال‌ها که بسیاری از مردم و رزمندگان از آن خاطره‌های زیادی دارند؛ حماسه مقاومت در خرمشهر و نقش مردم و رزمندگان در این دفاع جانانه که بعدها موضوع روایت‌های بی‌شمار در حوزه ادبیات پایداری شده است.

آغاز ماجراها از نبرد خرمشهر

ماجراهای رمان «نخل‌های بی‌سر» با شروع جنگ تحمیلی و تهاجم ارتش اشغالگر حکومت بعثی عراق به خرمشهر آغاز می‌شود. «ناصر» شخصیت اصلی داستان است که در کنار برادرش حسین و خواهرش شهناز، مقابله با دشمن اشغالگر را رسالت خود می‌دانند. خانواده ناصر در تب و تاب ماندن یا رفتن از خرمشهر در حال مقاومت سرگردانند؛ پدر و مادر خانواده گمان نمی‌کنند جنگ به این راحتی خانه و کاشانه آنها را مورد تهاجم قرار دهد. ناصر، حسین و شهناز، پدر و مادر را ترغیب به رفتن می‌کنند و خود می‌مانند تا از شهر دفاع کنند. در فاصله کوتاهی، شهناز شهید می‌شود. او اولین فرد خانواده است که در راه دفاع از خانه و کاشانه و سرزمین خود شهید می‌شود. شهادت او، برادرانش را در دفاع از شهر و ارزش‌هایی که به آن معتقدند، راسخ‌تر می‌کند.
خانواده ناصر به تهران مهاجرت می‌کنند. او خودش هم چندبار به تهران می‌آید، اما دلتنگ فضای حاکم بر جبهه‌ها می‌شود و به سوی آن بازمی‌گردد. با هجوم همه‌جانبه ارتش بعثی عراق به شهر خرمشهر، حسین هم شهید می‌شود و به خواهر شهید خود می‌پیوندد. ناصر طی مدت اشغال خرمشهر در جنگ مجروح می‌شود. البته او از یک ناراحتی جسمانی هم رنج می‌برد. با اصرار دوستان روانه تهران شده و در بیمارستان بستری می‌شود، اما قبل از فرا رسیدن زمان ترخیص، با اصرار از بیمارستان بیرون آمده و به سوی خرمشهر می‌شتابد.
عملیات فتح خرمشهر آغاز می‌شود و سوم خرداد فرا می‌رسد. ناصر در عملیات فتح خرمشهر شرکت می‌کند و به شهادت می‌رسد. خرمشهر آزاد می‌شود و خبر آزادی‌اش و شهادت ناصر به وسیله صالح، یکی از هم‌رزمان ناصر به مادر در انتظار ناصر داده می‌شود.

نگاه واقع‌گرایانه به حوادث ابتدای جنگ

«نخل‌های بی‌سر» داستان یک شهر است؛ شهری مجروح و خونین که زیر چرخ تانک‌های دشمن بعثی ناله می‌کند و فرزندان رشیدش را به یاری می‌طلبد. از نکات قابل توجه این اثر، حرکت خواننده در تمامی‌طول داستان همراه با رزمندگان خرمشهری؛ محله به محله و کوچه به کوچه و مشاهده وقایع این شهر در روزهای مقاومت است.
در واقع «نخل‌های بی‌سر» از نوع رمان‌های «وقایع‌نگارانه» است. مسأله حائز اهمیت دیگر در خلق این رمان، توجه به موضوعات فراگیر مرتبط با وقایع داستان و دید جامع نویسنده در پرداخت به جنبه‌های مردمی‌موضوع مقاومت در خرمشهر است که مردم کوچه و بازار در کنار رزمندگان به دفاع از شهر می‌پردازند و دشمن را در دستیابی آسان به این شهر ناکام می‌گذارند.
همچنین نویسنده در کنار موضوع محوری این اثر که همان جنگ تحمیلی و روزهای نبرد و مقاومت در جبهه خرمشهر است، از مواردی دیگر چون نقش نفت در موضوعات مرتبط با حوادث منطقه، مسأله فلسطین و همچنین خیانت بنی‌صدر در روزهای اولین جنگ در قالب دیالوگ‌ها و ترسیم گفت‌وگوهای شخصیت‌های این داستان به سادگی نمی‌گذرد و سعی می‌کند با نگاهی جهان‌شمول، بسیاری از اتفاقات و حوادث آن منطقه را در روزها و ماه‌های اول جنگ تحمیلی پیش روی مخاطب ترسیم کند. البته فراست در کنار روایت، دست به داوری نمی‌زند و قضاوت نهایی را به خوانندگان اثرش واگذار می‌کند.

شخصیت‌های پویا در دل جنگ

رمان «نخل‌های بی‌سر» چهارمین اثر در زمینه دفاع مقدس، اما اولین رمان حجیم و جدی درباره خرمشهر است. کتاب در اوج جنگ نوشته شده و کاملاً تهییجی و یک‌طرفه با نگاه واقع‌گرای سنتی و روایت خطی نوشته شده است. هرچه در این کتاب آمده، واقعیت محض نیست. این داستان، به شیوه روایت مستقیم نوشته شده که بخشی مربوط به خرمشهر و بخش دیگر مرتبط با مقاومت‌های مردمی‌است. دسته‌بندی شخصیت‌ها در این رمان به دو دسته شخصیت‌های پویا و ایستا تقسیم می‌شود. شخصیت پدر در این داستان، شخصیتی خاموش و ایستاست که از ابتدا تا انتهای داستان تغییری نمی‌کند. خاموش است و سیگار می‌کشد و با لفظ مرد (به جای پدر) از وی یاد می‌شود.
ناصر به عنوان قهرمان داستان، شخصیتی پویاست. داستان، بیان درگیری‌های ناصر با خود و جامعه و سرانجام کنار آمدن او با درگیری‌ها و تضادهای درونی و شهادت ایشان است.
مادر داستان که رفته‌رفته شخصیت ایشان در جریان داستان تکامل می‌یابد، می‌پذیرد به بهای آزادی خرمشهر، از فرزندانش در پایان داستان بگذرد. فراست سعی کرده در این رمان، نگاهش به شخصیت‌های داستانی یک‌بُعدی نباشد؛ برای همین در کنار پرداختن به شخصیت‌های مثبت که در میدان‌های نبرد مشغول ایثارگری هستند، افرادی هم در بخش‌های فرعی داستان دیده می‌شوند که از شرایط جنگی به وجود آمده به نفع خود بهره می‌برند.

> رمان «نخل‌های بی‌سر» چهارمین اثر در زمینه دفاع مقدس، اما اولین رمان حجیم و جدی درباره خرمشهر است. کتاب در اوج جنگ نوشته شده و کاملاً تهییجی و یک‌طرفه با نگاه واقع‌گرای سنتی و روایت خطی نوشته شده است. هر چه در این کتاب آمده، واقعیت محض نیست. این داستان، به شیوه روایت مستقیم نوشته شده که بخشی مربوط به خرمشهر و بخش دیگر مرتبط با مقاومت‌های مردمی‌است

نخل‌های بی‌سر
• نویسنده: قاسمعلی فراست
• انتشارات: نیلوفر
• تعداد صفحات: ۱۹۵ صفحه
• قیمت: ۱۹۵ هزار تومان

برش

شکم زخمی شهر
برشی از «نخل‌های بی‌سر»

بوی تند باروت در فضای دشت پیچیده و گلوله‌های قرمز و آتشین تفنگ و توپ و آرپی جی، دنبال هم کرده‌اند که یا بر در و دیوار شهر بنشینند یا بر تن بچه‌ها. زمین زیر پای ناصر به لرزه افتاده و هر بار که شهر گلوله‌ای را در شکم زخم‌دار خود جا می‌دهد، لرزشش بیشتر می‌شود.
دشمن پیش‌تر آمده و ناصر مقر جدید دوست‌هایش را نمی‌داند. سراغ آنها را می‌گیرد اما همه جابه‌جا شده‌اند و هیچ‌کس جای جدیدشان را نمی‌داند. میان صداهایی که می‌شنود، صدای عبدالله نورانی را می‌شناسد. رو به صدا می‌رود و سراغ مقر بچه‌ها را می‌گیرد، عبدالله تازه آنها را دیده و ردشان را می‌داند. ناصر مقر جدیدشان را پیدا می‌کند. پیش روی دشمن بر دلش چنگ انداخته و نفرتش نسبت به کسانی که هنوز به قدر کافی برایشان سلاح سنگین نفرستاده‌اند، بیشتر می‌شود. بچه‌ها وقتی او را می‌بینند، به آغوشش می‌کشند و ناصر، خیسی اشک آنها را روی شانه‌هایش احساس می‌کند. می‌خواهند با هم گریه سر دهند و بغضی را که راه بر گلویشان بسته بترکانند و راحت شوند که رضا دشتی فریاد می‌کشد:
-چتونه؟ چرا ماتم گرفتین؟ به همین زودی از کمک خدا غافل شدین؟
بچه‌ها بغض‌شان را فرو می‌دهند و احساس شرم می‌کنند. از خودشان بدشان می‌آید، اما محبت‌شان نسبت به رضا بیشتر می‌شود.

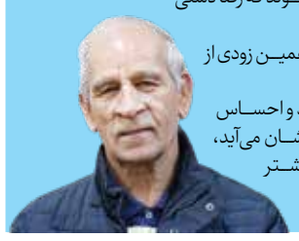

غلبه محتوا بر ساختار کتاب

اگر کلیت داستان «نخل‌های بی‌سر» را به دو بخش ساختاری و محتوایی تقسیم‌بندی کنیم، بخش‌های محتوایی اثر پررنگ است و نویسنده کوشیده پیام مقاومت مردمی‌در جبهه خرمشهر را به زیبایی برای مخاطب روایت کند. برای همین در بخش ساختاری، نویسنده اسیر فرم‌گرایی نشده و کوشیده است از ساده‌ترین زبان روایی برای بیان داستان خود بهره ببرد. این مسأله باعث شده زبان کتاب بسیار صمیمی‌باشد که خوانش آن برای تمام اقشار مناسب است.
یکی از زیبایی‌های کتاب، خبر فتح خرمشهر است که این خبر را صالح، هم‌رزم ناصر به مادر ناصر می‌دهد. صالح، هم‌خانواده با همان واژه صلح است و نمونه‌هایی از این‌گونه ذوق و قریحه نویسنده در کتاب فراوان است. عبارت «نخل‌های بی‌سر» هم از عبارت‌های ایهام‌دار در این کتاب است. این عبارت اولین‌بار از زبان شهناز، دختر خانواده بیان می‌شود؛ زمانی که پیکر شهیدان را به خرمشهر می‌آورند و بار دوم از زبان حسین، پسر خانواده که به خود خرمشهر و آوارگی‌ها و غربت آن اشاره می‌کند.